

رویارویی دولت بحرین با گروه‌های سیاسی؛ با تأکید بر گروه‌های شیعی

محمد فاتحی*

چکیده

شیعیان عرب بحرین که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، در میان اعراب شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب که همگی اعضای آن بر نادیده گرفتن شیعیان اتفاق نظر دارند، محصور شده‌اند و مبارزات خونین آنها برای سرنگونی حکومت اقلیت سنی مذهب این کشور بی‌نتیجه مانده است. تفسیر وضعیت خاورمیانه و اصلاحات سیاسی مندرج در طرح خاورمیانه بزرگ فرصتی به شیعیان بحرین داده است تا از اصلاحات اذک صورت گرفته در زمان امیر جدید بحرین برای دستیابی به بخشی از حقوق تضییع شده خود استفاده کنند. این مقاله ضمن بررسی مختصر موقعیت جغرافیایی و ارزیابی اوضاع سیاسی بحرین، با نگاهی به گروه‌های سیاسی موجود در این کشور، مبارزان شیعه را به مشارکت در انتخابات سال آینده تشویق می‌کند.

مقدمه

کشور بحرین با حدود ۶۶۵ کیلومتر مربع وسعت،^۱ کوچک‌ترین کشور خاورمیانه است که به صورت مجمع الجزایر در حاشیه جنوبی خلیج فارس واقع شده است. بزرگ‌ترین جزیره آن با نام جزیره «بحرین» از مجموع تمام چهل جزیره، بزرگ‌تر است و به همین علت، این کشور با نام همین جزیره خوانده می‌شود.^۲ بزرگ‌ترین شهرهای این جزیره کوچک عبارت‌اند از: المنامه (پایتخت)، الرفاع، مدینه عیسی (به نام شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه، امیر سابق بحرین)، مدینه حمد (به نام شیخ حمد، پادشاه فعلی بحرین) و جدحفص. بحرین هم‌چنین از لحاظ تقسیمات کشوری به پنج منطقه تقسیم می‌شود: العاصمه، الوسطی، المحرق، الشمالیه و الجنوبیه. اخیراً کشور بحرین از طریق پل «ملک فهد» که عربستان سعودی آن را ساخت، از حالت جزیره‌ای خارج شده و با عربستان ارتباط زمینی برقرار کرده است. البته این پل ۲۵ کیلومتری باعث ایجاد وابستگی به عربستان شده است. جمعیت این کشور کوچک، کمتر از ۶۹۰ هزار نفر است که یک‌سوم آن را خارجی‌ها و افراد غیربومی^۳ و طبق گفته موافق و مخالف، اکثریت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند.^۴ هدف محوری این

* آقای محمد فاتحی دارای مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی از پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی است.

مقاله پاسخ به این سؤال است که چرا شیعیان بحرین با وجود اکثریت جمعیتی و هم‌چنین فعالیت سیاسی بالا، تاکنون نتوانسته‌اند قدرت سیاسی را در این کشور به دست گیرند.

پاسخ ابتدایی نویسنده به این پرسش این است که ساختار گرایش الیگارشسی حکومت بحرین و ابتدای مشروعیت بر سنت و نه قانون به همراه انفعالی عمل کردن شیعیان در مقابل ابتکارات دولت، مهم‌ترین عوامل دست نیافتن شیعیان به قدرت است.

تاریخچه

کشور بحرین از جمله مناطقی بود که در ابتدای ظهور اسلام و در همان عهد رسول خدا(ص) اسلام را پذیرفت و اکثر مردم آن بدون هیچ‌گونه جنگی مسلمان شدند. از نخستین والیان رسول‌الله(ص)، ابان بن سعید، در دوستی با علی بن ابی‌طالب(ع) شهره بود. این عامل به همراه عواملی دیگر هم‌چون فضایل اخلاقی عالی والیان حضرت علی(ع) نقش مؤثری در گسترش تشیع در میان مردم بحرین داشته است.^۵ از آن زمان تاکنون، شیعیان و علمای شیعه بحرین همواره با مراکز تشیع در ایران و عراق مرتبط بوده و معمولاً در مسائل فقهی و مذهبی با حوزه‌های علمیه ارتباط تنگاتنگ داشته‌اند. به همین علت، تفاوت [عقیدتی] چندانی بین شیعیان بحرین با شیعیان سایر کشورها دیده نمی‌شود.

بحرین تا سال ۱۷۸۳م تحت حکومت خاندان‌های مختلف شیعه، سنی، ایرانی و عرب بوده و مدام دست به دست می‌شده است. با این حال - شاخه‌ای از قبیله، اکثر حاکمان این سرزمین خود را تابع حکومت مرکزی ایران می‌دانستند. در سال ۱۷۸۳ خاندان آل خلیفه بنی‌عتبه - از سواحل غربی قطر وارد بحرین شدند. اتحاد درون قبیله‌ای و انسجام آنها و نیز کمک قبایل «الصباح» سنی‌مذهب، باعث شد که آنها بر سایر قبایل و مدعیان غلبه کنند و بر کل بحرین حاکم شوند.^۶

با گذشت اندک زمانی از حاکمیت این خاندان، توسعه‌طلبی‌های سلطان بن احمد، امیر بحرین، خشم حاکمان محلی عمان را برانگیخت. از این رو، به بحرین حمله کرد و آن را متصرف شد. خاندان آل خلیفه به عربستان گریختند به حاکمان محلی شبه‌جزیره پناهنده شدند و پس از سازمان‌دهی مجدد و با حمایت مستقیم عبدالعزیز محمد بن سعود آل سعود مجدداً در سال ۱۸۱۱م بر بحرین مسلط شدند.^۷ این امر باعث وام‌دار شدن آنها به وهابیت شد، به گونه‌ای که در حال حاضر نیز وهابیون به راحتی در بحرین و خاندان حکومتی نفوذ دارند و هر از گاهی تبلیغات ضدشیعی شدیدی به راه می‌اندازند.

آل خلیفه پس از تصرف مجدد بحرین، به علت ترس از دولت‌های هم‌جوار به خصوص ادعاهای ارضی ایران، وارد مذاکره با انگلیسی‌ها شدند.^۸ امتیازات و تعهداتی که طی این مذاکرات انگلیسی‌ها و کمپانی هند شرقی در مقابل حمایت از خانواده آل خلیفه گرفتند، در عمل بحرین را در اوایل قرن بیستم به کشور تحت‌الحمایه بریتانیا تبدیل کرد. تا زمان استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، دولت انگلیس بدون توجه به خواست اکثریت شیعه این کشور و بدون اندک تأملی درباره سرکوب و نقض حقوق بشر، حتی در اواخر

حضور خود در بحرین، از دولت حاکم و خانواده کوچک آل خلیفه حمایت می‌کرد و در بسیاری مواقع، خود به سرکوب شدید مخالفان داخلی و شورش‌ها می‌پرداخت. به همین دلیل، شیعیان در تمام آن دوران عملاً تحت فشار شدیدی بودند و هرگز مجالی برای ابراز خواسته‌هایشان نیافتند.

دوران استقلال

دولت انگلیس طبق معاهداتی که با حاکمان محلی عرب از جمله حاکم بحرین منعقد کرده بود، در سال ۱۹۷۱ از منطقه خارج شد. دولت ایران هم به نحوی با این معاهدات کنار آمد و منتظر فرصتی برای الحاق جزایر از دست‌رفته خود، از جمله بحرین بود. حاکمان بحرین با وقوف به این مسئله، با دولت انگلیس به مذاکره پرداختند. ایران نیز جداگانه مذاکرات را در دستور کار خود قرار داد. نتیجه این مذاکرات و توافقات‌های آشکار و پنهان، استقلال بحرین بود. اعتراضات ایران باعث شد که تصمیم‌گیری در این باره، به همه‌پرسی از مردم بحرین واگذار شود تا آنها خود در مورد استقلال، خودمختاری یا الحاق به ایران تصمیم بگیرند. در این مورد نیز همه چیز به نفع آل خلیفه به پایان رسید و همه‌پرسی برگزار نشد، بلکه مقرر گردید تا مدیر دفتر سازمان ملل در ژنو به نام «سینیور ویتوریو وینسپیر گیچاردی»^۹، نظر مردم بحرین را در این خصوص جویا شود که وی نیز پس از مدتی اعلام کرد مردم بحرین خواهان استقلال هستند. بدین ترتیب، آل خلیفه فعال می‌شاد در بحرین شد و اعتراضات ایران هم به جایی نرسید و بحرین در ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ به استقلال رسید.^{۱۰} البته خروج انگلیس از منطقه به برقراری دموکراسی در بحرین کمکی نکرد و حکومت در دست یک اقلیت بسیار کوچک باقی ماند. از آن زمان تاکنون، خاندان آل خلیفه بر تمام ارکان حکومتی بحرین حاکم هستند و تقریباً هیچ مقامی خارج از این خاندان وجود ندارد. مردم بحرین نیز در هر فرصتی که دست داده است مخالفت خود را ابراز کرده‌اند. نمونه‌هایی از این مخالفت‌ها، در سال ۱۹۸۱ بود که سرکوب شد. مخالفان بار دیگر از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۹ به شدت مخالفت خود را نشان دادند. پس از آن نیز، مخالفت‌هایی با شدت کمتر نمایان شده است.

دولت بحرین در فاصله کوتاهی پس از استقلال، قانون اساسی و پارلمان این کشور را منحل کرد و بدین ترتیب نمادهای ظاهری مشروعیت قانونی را نیز از بین برد و به وضوح سنت مبنای مشروعیت قرار گرفت.^{۱۱*} با انحلال پارلمان و الغای قانون اساسی بازگشایی پارلمان و رسمیت یافتن قانون اساسی موضوع محوری درخواست‌های مخالفان تا ۲۷ سال بعد، یعنی سال ۲۰۰۲ بود. در این تاریخ، این امور هرچند نه به طور کامل و مطلوب مخالفان، تحقق یافت.

* یکی از بارزترین تقسیم‌بندی‌ها درباره مبنای مشروعیت، تقسیم‌بندی ماکس وبر است. به عقیده وبر قدرت از سه طریق مشروعیت می‌یابد: سنت، کاریزما (فره ایزدی) و قانون. حکومت‌های مبتنی بر سلطنت موروثی، پادشاهان، فئودالی و... با سنت مشروعیت می‌یابند. امروزه حکومت‌های سنتی از آنچه که مبنای عقلانی ندارند، وجهه منفی در اذهان عامه دارند. حکومت بحرین و بسیاری از حکومت‌های موروثی عربی و غیرعربی همگی از این دست هستند. با وجود تصویب قانون اساسی، از آنجا که حتی طبق قانون، حکومت موروثی [از] آن خاندان آل خلیفه است، کماکان حکومت بحرین مبتنی بر سنت است نه قانون (رک: ماکس وبر، اقتصاد و جامعه).

بحرین در دهه اخیر

مشروعیت دولت بحرین از آغاز استقلال تاکنون مبتنی بر سنت بوده است نه قانون؛ به همین دلیل، این دولت قانون را الغا کرد. از آن زمان تا پایان امارت شیخ عیسی بن سلمان در مارس ۱۹۹۹، ابتدای مشروعیت بر سنت به وضوح مشهود بود و حاکمان بحرین بدون اذعان به این امر، هیچ تلاشی برای توجیه قانونی این موضوع نه چندان مقبول در جهان امروز، نمی‌کردند. این امر و سرکوب شدید، موضع مخالفان را به یکدیگر نزدیک کرده بود و هنگامی که درخواست برپایی مجدد پارلمان و به جریان انداختن قانون اساسی، با بی‌اعتنایی امیر وقت بحرین مواجه شد، مخالفت‌ها شدیدتر و آشکارتر شد. رد این درخواست در سال ۱۹۹۶ که به امضای ۲۵ هزار نفر^{۱۲} از مجموع ۶۵۰ هزار نفر کل جمعیت بحرین (که یک‌سوم آن هم خارجی هستند) رسیده بود، باعث بروز ناآرامی‌ها و ناراضی‌های گسترده‌ای شد که تا پایان عمر امیر عیسی بن سلمان ادامه یافت. در واقع، او کشوری آشوب‌زده را برای جانشین سستی خود، یعنی فرزندش به جا گذاشت.

ناراضیان از همه طیف‌های شیعه، سنی و سکولار دو موضوع قانون اساسی و بازگشایی پارلمان را مطرح کردند. البته شیعیان علاوه بر این دو موضوع، خواهان حل مشکل بیکاری نیز بودند که در میان آنان رایج‌تر بود. آخرین موارد اعتراض شیعیان به بیکاری در ۱۷ و ۲۷ آذر ۸۴ بود که جمعیت زیادی در تظاهرات خیابانی شرکت کردند (گروه‌های سنی و سکولار کمتر با این مشکل مواجه بوده‌اند).^{۱۳}

در اوج درگیری‌ها و سرکوب‌ها در سال ۱۹۹۶، بسیاری از رهبران مخالف، به خصوص رهبران شیعی که طبیعتاً اکثریت را داشتند و بیشتر نیز مورد بغض حکومت بودند، دستگیر، زندانی و بعضاً به سایر کشورها تبعید شدند. ناآرامی‌ها تا سال ۱۹۹۹ ادامه یافت و دولت به رغم تحت فشار بودن، هیچ گام مؤثری برای حل و فصل قضیه برنداشت. سرانجام مرگ شیخ عیسی و جانشینی شیخ حمد با وعده‌های اصلاحات، به درگیری‌ها خاتمه داد.

شیخ حمد مانند بسیاری از رهبران جوانی که پس از مرگ پدر به قدرت رسیدند،* به مخالفان خود وعده اصلاحات داد تا حداقل در فاصله به دست‌گیری کامل قدرت و غلبه بر مدعیان، از مخالفت‌های مردمی و عمومی در امان باشد.

وعده اصلاحات و برخی اقدامات حکومت در این زمینه، از جمله آزادی برخی زندانیان سیاسی، لغو دادگاه امنیت کشور و...^{۱۴} در همان سال نخست حکومت شیخ حمد، به طور موقت مخالفان را قانع کرد که دولت جدید قصد اصلاحات دارد و بدین ترتیب، از دامنه مخالفت‌ها کاسته شد. در نوامبر ۲۰۰۰، امیر جدید بحرین به طور ناگهانی نظام اداری و قانونی جدید را اعلام و هیئتی را مأمور تدوین قانون اساسی جدید کرد. هم‌چنین از تغییر حکومت بحرین از امارت به پادشاهی خبر داد.^{۱۵}

اعتراض گروه‌های مخالف با تغییر نظام حکومتی و غیرقانونی دانستن آن، مؤثر واقع نشد و «قانون اساسی ملی» تقدیم امیر گردید. خبر به همه‌پرسی گذاشتن قانون اساسی با خبر آزادی برخی از رهبران مخالف که در سال ۱۹۹۶ دستگیر شده بودند، همراه شد.

* بشار اسد در سوریه، امیرعبدالله در اردن، شیخ محمد بن خلیفه آل ثانی در قطر، الهام علی‌اف در آذربایجان و

این روند باعث ایجاد اختلاف بین گروه‌های مخالف شد؛ برخی حمایت خود را از این جریان‌ات اعلام کردند، برخی با تردید سکوت کردند و برخی گروه‌ها به مخالفت جزئی پرداختند. اما در نهایت، همه‌پرسی برگزار شد و بیش از ۹۸ درصد بحرینی‌ها به قانون اساسی مصوب مجلس منتخب، رأی مثبت دادند^{۱۶} و از این پس، نوع حکومت بحرین مشروطه سلطنتی شد.

پس از گذشت مدت کوتاهی از این جریان‌ات، مردم بحرین همانند بسیاری از کشورهایی از این دست، به این نتیجه رسیدند که دولت، پشتکار لازم را برای اجرای اصلاحات ندارد و عملاً اصلاحاتی در کار نخواهد بود. میزان بیکاری نه تنها کاهش نیافت، بلکه در حال افزایش بود، فساد در میان دولت‌مردان همچنان بالا بود و حلقه افراد مسئول و حاکم مثل گذشته بسته بود و کسی غیر از خاندان آل خلیفه را یارای دسترسی به مناصب حساس حکومتی نبود. با وجود این، در اکتبر ۲۰۰۳، برای اولین بار طی سی سال گذشته، انتخابات پارلمانی در بحرین برگزار شد. در این انتخابات، زنان حق انتخاب شدن را نیز پیدا کردند، اما در نهایت هیچ زنی به مجلس راه نیافت و مجلس چهل نفری بحرین در دو اتاق، به نسبت توازن بین مسلمان‌ها و لائیک‌ها تشکیل شد.

دولت برای نشان دادن اهمیت حضور زنان، پس از اینکه هیچ زنی به مجلس راه نیافت، دو زن را به عضویت کابینه درآورد که با تبلیغات فراوان همراه شد.

اوضاع کنونی بحرین

قرار است در اکتبر ۲۰۰۶ دومین انتخابات پارلمانی بحرین برگزار شود. از این رو، دولت تلاش‌های خود را برای جلب توجه مردم و تشویق آنان به مشارکت افزایش داده است. پس از آنکه نخستین انتخابات پارلمانی بحرین در سال ۲۰۰۲ به علت تحریم اکثر گروه‌های شیعی و برخی گروه‌های غیرشیعی با استقبال بسیار کم مردم مواجه شد، این بار دولت خواستار بالا بردن درصد مشارکت است تا وجهه ضددموکراتیک خود را بهبود بخشد. در این راستا، دکتر مجید العلوی، وزیر کار و امور اجتماعی که در زمان حیات شیخ عیسی از مخالفان سیاسی و تبعیدشده به خارج از کشور^{۱۷} بود، به عنوان نماینده دولت به مذاکره با گروه‌های مخالف پرداخت. با وجود سوابق مبارزاتی کوتاه العلوی به نظر می‌رسد که وی چندان حامی اصلاحات نیست؛ زیرا همواره در مذاکرات سعی در رد درخواست مخالفان دارد؛ به گونه‌ای که مخالفان از مذاکره با او چندان راضی نیستند و از خبر انتصاب پسر ملک‌حمد (شیخ‌سلمان، ولیعهد بحرین) ابراز خشنودی کرده‌اند. از نظر آنها، شیخ‌سلمان شخصی است که می‌توان با وی گفت‌وگو کرد.^{۱۸}

در حال حاضر دولت بحرین، دموکرات‌ترین کشور در مقایسه با سایر شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس، از یک سو، به دموکرات بودن تظاهر می‌کند و از سوی دیگر، به محدود کردن یا سرکوب حرکت‌های مخالفان می‌پردازد. مهم‌ترین اقدامات دموکراتیک دولت اجباری کردن درس‌های حقوق بشر و دموکراسی در مدارس این کشور،^{۱۹} برگزاری انتخابات پارلمانی نه چندان دموکراتیک سال ۲۰۰۲ و همچنین تدارک برای انتخابات سال آینده میلادی است. با این حال، خاندان آل خلیفه حاضر نیستند اقداماتی انجام دهند که احتمال مشارکت

واقعی شیعیان را در قدرت افزایش دهد. تصویب قانون جدید انجمن‌های سیاسی نمونه‌ای از محدودیت‌ها برای فعالیت سیاسی است. از مندرجات این قانون که به تصویب ملک‌حمد نیز رسیده ممنوع کردن محل تأمین بودجه گروه‌های سیاسی از خارج، افزایش حداقل سن عضویت در انجمن‌های سیاسی از ۱۸ به ۲۱ سال، عدم مغایرت برنامه‌های گروه‌ها با اصول دین اسلام و دوری جستن از مسائل طبقاتی و طایفه‌ای است.^{۲۰}

بخش اعظم بودجه بسیاری از گروه‌های فرهنگی - سیاسی شیعی از خارج تأمین می‌شود. تصویب این قانون، از نظر اقتصادی این گروه‌ها را در تنگنای اقتصادی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که قادر به ادامه فعالیت نخواهند بود. تغییر سن عضویت نیز به نفع حکومت بوده است. جوانان مجرد اغلب رادیکال هستند. با دور کردن جوانان ۱۸ تا ۲۱ ساله از گروه‌های سیاسی، این گروه‌ها به محافظه‌کاری نزدیک‌تر می‌شوند. در مورد عدم مغایرت برنامه‌های گروه‌ها با اصول دین اسلام، از آنجا که اکثر مبلغان موجود در نظام حاکم سنی هستند، می‌توانند هرگونه فعالیتی را که منجر به تقویت شیعیان شود، مغایر اصول دین تفسیر کنند و مانع از انجام آن شوند. دوری جستن از مسائل طبقاتی و طایفه‌ای نیز به معنی دوری جستن گروه‌ها از برخی خواسته‌های اصلی خویش است. آنها از طایفه‌گرایی آل خلیفه ناراضی‌اند و با آن مبارزه می‌کنند، اما این قانون مبارزه با آل خلیفه را در قالب طایفه‌گرایی تفسیر و به شدت با آن برخورد خواهد کرد. بدین ترتیب، این قانون عملاً توان مبارزه و فعالیت سیاسی را از بسیاری از گروه‌های مبارز می‌گیرد.

آگاهی گروه‌های مبارز از محدود شدن فعالیت‌هایشان با تصویب این قانون، موجی از ناآرامی‌ها و مخالفت‌ها را در پی داشت که در برخی موارد به درگیری بین پلیس و مردم منجر شد.^{۲۱} با این حال، دولت بر اجرای این قانون پافشاری می‌کند. از جمله موافقان این قانون، نخست‌وزیر بحرین (شیخ خلیفه) است که به چهره‌ای ضداصلاحات مشهور است.

اما دولت بحرین به دلایل اقتصادی مجبور به برقراری ثبات سیاسی در این کشور است، به خصوص با توجه به پایان یافتن منابع نفتی، این کشور وضعیت اقتصادی چندان مناسبی ندارد. در این میان شیعیان که طبقه محروم جامعه بحرین را تشکیل می‌دهند در وضعیتی سخت به سر می‌برند. به گفته شیعیان، نرخ بیکاری در میان آنان حدود ۳۰ درصد^{۲۲} و به گفته منابع رسمی بیش از ۱۵ درصد^{۲۳} است. شرایط بد اقتصادی، دولت بحرین را وادار به جذب سرمایه‌گذاری می‌کند و لازمه آن نیز وجود ثبات در کشور است. دولت بحرین به منظور برقراری ثبات در این کشور دست‌خوش حوادث، دو راهکار متفاوت را در پیش گرفته است:

۱. اجازه فعالیت به گروه‌های سیاسی به منظور جذب آرای مردم با وجود محدود کردن عملی آنها؛
۲. عدم اجازه مشارکت واقعی شیعیان در ساختار قدرت (در انتخابات سال ۲۰۰۲ از مجموع ۴۰ نماینده مجلس نمایندگان ۲۸ نفر سنی‌مذهب طرفدار اسلام تندرو و ۱۲ نفر شیعه حامی حکومت^{۲۴} بودند، اما این امر با توجه به اکثریت شیعیان در بحرین - حتی با وجود تحریم انتخابات سال ۲۰۰۲ از سوی آنان - غیرطبیعی می‌نماید).

جالب اینجاست که دولت آمریکا از جمله جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، نیز در قبال سیاست‌های دوگانه آل خلیفه، دو واکنش متفاوت در پیش گرفته است. بوش از یک سو، از حکومت

بحرین به عنوان الگوی دموکراسی در منطقه یاد می‌کند^{۲۵} و از سوی دیگر، به دولت بحرین برای جدی‌تر شدن در امر اصلاحات فشار می‌آورد.^{۲۶}

گروه‌های مخالف دولت بحرین که دولت را در انجام اصلاحات وعده داده‌شده جدی نمی‌بینند و اصلاحات را ناچیز ارزیابی می‌کنند، هم‌چنان بر تحریم انتخابات ۲۰۰۶ پای می‌فشارند که قوی‌ترین آنها، جمعیت شیعی در الوفاق است.^{۲۷}

جایگاه شیعیان در میان گروه‌های سیاسی

پس از بررسی اجمالی وضعیت سیاسی بحرین، به اختصار به بررسی گروه‌های معارض می‌پردازیم. گروه‌های مخالف دولت بحرین اکثراً گروه‌های شیعی و تعدادی گروه سنی‌مذهب و سکولار هستند. از آنجا که اکثریت جمعیت بحرین شیعه‌اند و نیز به دلیل سیاست‌های ضدشیعی دولت، طبیعتاً فعالیت گروه‌های شیعه نسبت به سایر گروه‌ها بیشتر است.

در یک تقسیم‌بندی، می‌توان گروه‌های مبارز بحرین را به دو گروه «مبارزان جوان» و «مبارزان سنتی» تقسیم کرد. جوانان مبارز از مبارزه سنتی طولانی همراه با مذاکرات بی‌نتیجه خسته شده‌اند و جدای از خواسته رهبران سال‌خورده نهضت در حالی که هنوز به استراتژی مشخصی دست نیافته‌اند، مبارزه می‌کنند. مبارزان سنتی را نیز می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد:

۱. شیعیان خواهان حکومت اسلامی؛

۲. شیعیان میانه‌رو و خواهان اصلاحات؛

۳. گروه‌های سکولار؛

۴. گروه‌های اهل سنت.

گروه‌های سلفی و سنی‌مذهب بحرین نوعاً طرفدار اخوان المسلمین هستند. طبق ایدئولوژی این گروه، باید برای انجام اصلاحات و اجبار دولت به اسلامی شدن، به مبارزه با دولت پرداخت. اما آگاهی طرفداران اخوان نسبت به اکثریت بودن شیعیان در بحرین و وجود این احتمال که مبارزه با دولت ممکن است به تضعیف یک دولت سنی‌مذهب و تقویت نهادهای شیعی بینجامد، باعث شده است که گروه‌های سنی عملاً دست از مبارزه بکشند و به نوعی مصالحه برسند که در بسیاری از مواقع به تأیید دولت می‌انجامد. از جمله این گروه‌ها، اخوان المسلمین بحرین و جمعیت اصلاح الاجتماعی هستند که به دلیل فعالیت‌های آرام فرهنگی توانسته‌اند بسیاری از مناصب حکومتی به خصوص آموزش و پرورش را به دست آورند.^{۲۸}

گروه‌های سکولار نیز عمدتاً طرفدار دموکراسی و حقوق بشرند. آنها نه خواهان حاکمیت یک گروه معهود و نه حکومت شیعیان هستند، ولی در شرایط فعلی از باب دموکراسی‌خواهی و مبارزه با یک حکومت نافی حقوق بشر، به نوعی مصالحه با گروه‌های شیعی مبارز و مخالفت با حکومت تن داده‌اند. آنها دولت بحرین را به سبب شکنجه‌ها و رفتار ضدانسانی با ناراضیان سیاسی و نیز بسته بودن حلقه حکومتگران

سرزنش می‌کنند و گاه به همین علت، مرارت‌ها و مشکلاتی را متحمل شده‌اند. در همین راستا مرکز حقوق بشر بحرین سال گذشته تعطیل شد و نایب رئیس آن، عبدالهادی الخواجه در زندان به سر می‌برد. از جمله این گروه‌ها، جمعیت‌های دانشجویی، زنان، کارگری و مدافعان حقوق بشر هستند.^{۲۹}

شیعیان

گروه‌های شیعی طیف وسیعی از شیعیان با مطالبات متفاوت را دربرمی‌گیرند. برخی از آنها خواستار حکومت دموکراتیک برای استیفای حقوق از دست‌رفته خود هستند. آنان می‌خواهند همانند سنی‌ها از حقوق سیاسی و مدنی مساوی برخوردار شوند و امکانات عمومی به طور مساوی و براساس جمعیت و صلاحیت تقسیم شود. رفع مشکل بیکاری در میان شیعیان یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های آنان است. حركة الاحرار و گروه‌های شیعی دانشجویی نمونه‌هایی از این دست هستند.^{۳۰}

از نظر شیعیان، مشکل بیکاری قابل حل است، مشروط بر اینکه اراده سیاسی برای حل این مشکل وجود داشته باشد. آنها معتقدند دولت به جای به کارگیری هزاران کارگر خارجی و اعطای تابعیت بحرینی به کارگران سنی‌مذهب (به منظور برهم زدن ترکیب جمعیتی به نفع سنی‌ها)،^{۳۱} بهتر است از کارگران بومی استفاده کند. برخی گروه‌های شیعی نیز خواهان برپایی حکومت اسلامی هستند. آنها علاوه بر پیگیری مطالباتی چون دموکراسی، حقوق بشر و رفع مشکل بیکاری، خواهان حکومتی منطبق بر اسلام و مبتنی بر آرای مردم هستند (حرکت اسلامی انصار الشهدا).

پس از ۱۱ سپتامبر تمام گروه‌های اسلام‌گرا در معرض اتهامات تروریستی قرار گرفته‌اند و دولت بحرین نیز از این موضوع نهایت استفاده را کرده است. به همین علت، آنان مجبور شده‌اند همانند دسته اول رفتار کنند و خواسته‌های خود را دموکراتیک و نه مذهبی جلوه دهند. آنها نیز خواهان حل مشکل مسکن و بیکاری در میان شیعیان هستند.

این امر طبیعتاً مطلوب دولت بحرین و اقلیت حاکم بر این کشور نیست و قوی‌ترین و شدیدترین مخالفت‌ها با این گروه‌ها صورت می‌گیرد. اخیراً به دلیل شرایط ایجادشده پس از ۱۱ سپتامبر و نیز ترس حاکم بر دولت‌های عرب حاشیه خلیج فارس، پس از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، شیعیان بحرین کمتر امکان بروز خواسته‌های خود را می‌یابند و از سرپوش دموکراسی و حقوق بشر برای مبارزات خود استفاده می‌کنند.

مهم‌ترین گروه شیعی «جمعیت الوفاق الوطنی الاسلامی» است که بزرگ‌ترین جریان سیاسی شیعه و گروه مخالف در بحرین به شمار می‌رود. پس از اعلام عفو عمومی توسط امیر جدید بحرین، بسیاری از گروه‌ها از جمله گروه‌های شیعی حزب الدعوة، حركة الاحرار و حزب‌الله برای ادامه مبارزه دچار تردید شدند. پس از گذشت مدتی از تردیدها و تسلیم‌ها، شیخ‌علی سلمان، از رهبران قدیمی، طی نشست‌ها و مذاکراتی با سه گروه یادشده، آنها را متقاعد کرد که برای اتخاذ یک خط‌مشی مشخص، با هم همکاری کنند. نهایت این همکاری‌ها ادغام هر سه گروه در قالب جمعیت الوفاق الوطنی الاسلامی بود. این جمعیت به ریاست شیخ‌علی سلمان با وجود برخی

اختلافات و جدایی‌ها، هم‌چنان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین گروه مخالف دولت بحرین محسوب می‌شود. عمده‌ترین تهدید برای این گروه، وجود برخی اختلافات در درون این ائتلاف است، به گونه‌ای که اعضای هر زیرگروه حزب‌الله، حزب الدعوة و حرکت الاحرار مایل به اصل قرار گرفتن استراتژی خود در مبارزه هستند (حزب‌الله کماکان بر حس جهادی و روحیه انقلابی تأکید دارد ولی حزب الدعوة در مبارزه بر کار فرهنگی و تئوریک تأکید دارد. طرفداران و اعضای حرکت الاحرار هم متأثر از جو لندن و فرهنگ اسلامی خاص روشن‌فکران اسلامی آن سامان است). در مجموع می‌توان اهداف عمده حرکت‌های شیعی را به صورت زیر بیان کرد:

۱. تشکیل دولتی اسلامی بر مبنای رأی اکثریت و برکناری خاندان آل خلیفه از قدرت (این اهداف از جمله آرمان‌های گروه‌های شیعی است که همواره وجود داشته است. آنها می‌خواهند با تکیه بر رأی اکثریت که قطعاً به نفع آنان خواهد بود، حکومتی تشکیل دهند که اصول اسلام در آن رعایت می‌شود و وجهه دموکراتیک مقبولی نیز خواهد داشت. چنانچه این هدف به هر دلیلی محقق نشد، اهداف زیر مطرح می‌شود.

۲. تقسیم عادلانه ثروت‌ها و امکانات دولتی که اکثراً در دست خاندان آل خلیفه، وهابیون و سپس سایر گروه‌های سنی مذهب است.

۳. رفع مشکل بیکاری در میان شیعیان، زیرا حدود ۳۰ درصد شیعیان بیکار هستند.

۴. برکناری نخست‌وزیر مستبد بحرین: شیخ خلیفه علاوه بر مخالفت با اصلاحات، به شدت با شیعیان مخالف است.

واکنش دولت به حرکت‌ها و مطالبات گروه‌های شیعی

خاندان سنی‌مذهب آل خلیفه با جمعیت نزدیک به چهارهزار نفر^{۳۲} به کشور بحرین و تمام ساکنان آن به عنوان ملک مطلق خود می‌نگرند. این موضوع با در نظر گرفتن جمعیت ۷۰ درصدی شیعیان متضمن چالش‌های درونی شدیدی است. خاندان آل خلیفه از زمان استقرار خود در بحرین در سال ۱۷۸۳ و حتی بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، همواره با شیعیان سر ناسازگاری و تضاد داشته‌اند. شیعیان نیز همواره برای احقاق حق خود تلاش کرده‌اند که این تلاش‌ها پس از استقلال بحرین نمود بیشتری یافته است. در مقابل، دولت بحرین همواره قیام‌های شیعیان را به عنوان قیام‌های تحریک‌شده از خارج (ایران) سرکوب کرده است. چه در اوایل پیروزی انقلاب (قیام سال ۱۹۸۱)، چه مدت‌ها بعد از آن (قیام‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۴) و چه در دوران اخیر (تحریم‌ها و تظاهرات آرام خیابانی) دولت بحرین همواره به جای پرداختن به مشکلات داخلی، با فرافکنی، جمهوری اسلامی ایران را عامل ناآرامی‌ها قلمداد کرده است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

به هر حال، دولت بحرین برای کاستن از تعارضات، ناچار به مشارکت دادن همه گروه‌هاست؛ ولی از آنجایی که مشارکت دادن گروه‌ها، ممکن است به روی کار آمدن شیعیان که احتمالاً طرفدار ایران هم

هستند، بینجامد، مشارکت واقعی همه گروه‌ها نه مطلوب دولت، نه کشورهای همسایه عربی و نه امریکاست. بدین ترتیب، دولت بحرین با حمایت سایر کشورها به هیچ وجه اجازه مشارکت واقعی را به شیعیان نخواهد داد و حداکثر به شرکت چند نماینده شیعه طرفدار دولت در مجلس ملی اکتفا خواهد کرد. احتمالاً اگر درخواست‌های این نمایندگان با خواسته‌های دولت مغایرت داشته باشد، توسط مجلس شورا (که اعضای آن منصوب ملک‌حمد و قدرتمندتر از مجلس نمایندگان هستند) کنترل خواهد شد.

در مجموع، دولت بحرین با کاهش مشکل بیکاری خواهد توانست بر برخی مشکلات فائق آید. اما حتی در صورت کارآمدی، مشکل مشروعیت سنتی این رژیم و تن ندادن مخالفان به این نوع مشروعیت به این سادگی‌ها قابل حل نیست. رژیم نیز، حاضر به پذیرش غیرخودی‌ها در حکومت نیست. بارزترین چهره مخالف اصلاحات در هیئت حاکمه، شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه (عموی شیخ‌حمد و نخست‌وزیر بحرین) است که از زمان استقلال بحرین تاکنون با وجود اقدام به کودتا علیه برادر خود در سال ۱۹۸۳ منصب خود را حفظ کرده است. کمتر کسی در مخالفت او با اصلاحات تردید دارد و همگان معتقدند که وجود این چهره در دولت، اصلاحات را با بن‌بست مواجه خواهد کرد. با وجود این، کسی جرئت ندارد درخواست کناره‌گیری این فرد را مطرح کند؛ زیرا مجازات‌هایی نامعلوم در انتظار او خواهد بود؛ همان‌گونه که با عبدالهادی الخواجه، نائب رئیس سابق مرکز حقوق بشر بحرین، رفتار شد.

بدین ترتیب، وجود گروه‌ها و اشخاص مخالف شیعیان در درون هیئت حاکمه، اوضاع را برای فعالیت شیعیان بسیار دشوار کرده است. اما این به معنای دست از فعالیت کشیدن شیعیان نیست. آنها در این شرایط که امکان براندازی و استقرار حکومت اسلامی از طریق مبارزه مسلحانه وجود ندارد، به ناچار قواعد ظالمانه بازی را پذیرفته‌اند و سعی در نفوذ تدریجی در مناصب حکومتی دارند؛ هرچند این امر نیازمند زمانی طولانی است و احتمالاً مشروعیت حکومت آل خلیفه را بالا می‌برد و حتی ممکن است باعث حضور کم‌رنگ آنها در این دوره از انتخابات مجلس شود. اما قطعاً عدم حضور شیعیان، مانع از برگزاری انتخابات صوری نمی‌شود و قدرت‌های منطقه‌ای سنی و جهانی بدون توجه به خواست شیعیان این انتخابات را موفق نشان خواهند داد. بنابراین، بهتر است ضمن اعمال فشار بر دولت تا قبل از انتخابات و تلاش برای ایجاد شرایط بهتر، در انتخابات شرکت کنند. در این صورت احتمال سهیم شدن آنها در قدرت در آینده بالا می‌رود. باید خاطرنشان کرد عدم مشارکت سنی‌ها در انتخابات گذشته عراق، با وجود در اقلیت بودن، نتیجه مثبتی برای آنها به همراه نداشت. اما شیعیان بحرین که اکثریت مطلق را دارند، به یقین می‌توانند تأثیرگذار باشند.

مهم‌ترین آفت مشارکت در حکومت، آلوده شدن افراد مبارز پس از سهیم شدن آنها در قدرت است که باید تا حد توان افراد فرهیخته را به نمایندگی از شیعیان وارد بازی کرد تا دچار چنین مشکلی نشوند.

گروه‌های سیاسی بحرین

ردیف	نام گروه	گرایش	مطالبات سیاسی	تاریخ تأسیس	نام مؤسس یا رهبر فعلی	ملاحظات
۱	جمعیت الوفاق الاسلامی	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی	۲۰۰۰	شیخ علی سلمان	قدرتمندترین گروه سیاسی بحرین که از ترکیب سه حزب مذکور ایجاد شده است.
	حزب الدعوة	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی	۱۹۶۵		
	حرکت الاحرار بحرین	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی	۱۹۸۲		
	حزب الله بحرین	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی	۱۹۸۷		
۲	سازمان العمل الاسلامی	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی		محمدهقی مدرس	
۳	العمل الاسلامی	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی		راشد احمد راشد	
۴	العمل الوطنی الديمقراطي	لیبرال	دموکراسی		ابراهیم شریف	
۵	التجمع القومي الديمقراطي	یمنی	به دست گرفتن قدرت			
۶	جمعیت عدالت و توسعه	شیعی	حکومت دموکراتیک اسلامی	۲۰۰۴		
۷	اجلوس المسلمین بحرین	سنی	قدرت سنی‌ها			
۸	جمعیت اصلاح اجتماعی	سنی (وهلی)	قدرت سنی‌ها			
۹	جمعیت اصالت سلفی	سنی	قدرت سنی‌ها			
۱۰	حرکت اسلامی فصار الشهدا	شیعی	حکومت اسلامی	دهه ۱۹۸۰	شیخ جمال علی الصغفور	
۱۱	جمعیت میثاق ملی کار	لیبرال	دموکراسی			
۱۲	جمعیت الرابطة الاسلامیة	لیبرال	دموکراسی			
۱۳	فئة البحرین	لیبرال-اسلامی	دموکراسی	۱۹۹۵		
۱۴	هئة الاتحاد الوطنی لطلبة البحرین	لیبرال-اسلامی	دموکراسی	۱۹۷۰		
۱۵	سازمان حقوق بشر بحرین	لیبرالی	دموکراسی - حقوق بشر	۱۹۸۹ و ۲۰۰۵		
۱۶	جمعیت تربیت ملی - اسلامی	لیبرالی	دموکراسی			
۱۷	حزب کمونیست بحرین	کمونیستی	کمونیسم	۱۹۷۴	عبدالهادی خائف	
۱۸	حرکت الخلائیة الثوریة	شیعی	حکومت اسلامی	۱۹۸۱	شیخ ناصر الحداد	
۱۹	جمعیت العلة و التنسیه	شیعی	حکومت اسلامی	۲۰۰۴	البحارنه، الدرازی، المرزوق	حزب الدعوه‌های‌های منشعب از الوفاق

نکته: در بحرین احزاب اجازه فعالیت ندارند و گروه‌های سیاسی تحت عنوان لیجس یا جمعیت اجازه فعالیت یافتند با تصویب قانون جدید گروه‌های سیاسی، برخی گروه‌ها در حال ارزیابی جهت ثبت‌نام هستند و برخی همچون الوفاق و العمل الوطنی الديمقراطي تصمیم گرفته‌اند به عنوان لیجس سیاسی ثبت‌نام کنند. گروه‌های کوچک‌تری نیز در بحرین فعال هستند که چون مشا تر نیستند از ذکر نام آنها خودداری می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. <http://www.odci.gov/cio/Publications/factbook/geos/ba.html>.
2. <http://www.iranculture.org>.
3. <http://www.odci.gov/cio/Publications/factbook/geos/ba.html>.
۴. لورنس لونه، «خاندان خلیفه در لبه تیغ»، ترجمه علی عبدالمحمدی، روزنامه *شرق*، ۱۶ بهمن ۸۲ صفحه خاورمیانه، هم‌چنین رک: مصطفی خادمیان، «بررسی رابطه مذهب و سیاست در عراق پس از صدام»، روزنامه *همشهری*، ۱۹ اسفند ۸۳، صفحه سیاست؛ هم‌چنین رک:
۵. رضا اسلامی، «خاستگاه تشیع در بحرین»، فصلنامه *هفت آسمان*، ش ۲، تابستان ۱۳۷۸.
6. <http://en.wikipedia.org/wiki/History-of-bahrain>
7. Ibid.
8. Ibid.
۹. معصومه سیف افجه‌ای، بحرین، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳.
۱۰. امید پارسا نژاد، «استقلال بحرین»، ۲۲ مرداد ۱۳۸۳، صفحه تاریخ.
۱۱. معصومه سیف افجه‌ای، پیشین، ص ۱۴۳.
۱۲. حدوتامانیل، «شتافضه بحرین و روند اصلاح سیاسی در بحرین»، ترجمه امیر جوهری، ضمیمه فصلنامه *مطالعات خاورمیانه*، ش ۳۵، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۸.
۱۳. همان.
۱۴. روزنامه *جمهوری اسلامی*، «تأمیلی بر شکست لائیک‌ها در ترکیه، مغرب و بحرین»، ۱۳ آذر ۱۳۸۱، ص ۷.
۱۵. حدوتامانیل، پیشین، ص ۱۸.
۱۶. همان.
۱۷. روزنامه *ایران*، «بحرین مروارید را در خشکی صید می‌کند»، ۱۷ فروردین ۸۲، ص ۹.
۱۸. *بولتن منتشر نشده اخبار خلیج فارس*، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۸۳/۷/۲۲.
۱۹. روزنامه *کیهان*، ۲۶ اسفند ۱۳۸۳.
۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۴/۴/۳۰ و ۸۴/۵/۲.
۲۱. همان، ۸۴/۵/۸.
۲۲. لورنس لونه، پیشین، ۱۶ بهمن ۱۳۸۲.
۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۴/۴/۱۳.
۲۴. لورنس لونه، پیشین.
۲۵. مارک پلاس، «بحرین: صحنه‌سازی برای دموکراسی»، ترجمه حوا بختیاری، *لوموند دیپلماتیک*، اسفند ۸۳.
۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۳/۴/۹ به نقل از پایگاه اینترنتی ایلاف.
۲۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸۴/۲/۱۰.
۲۸. مرتضی بحرانی، *جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین*، تهران: مؤسسه‌های اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۱، ص ۸۱.
۲۹. همان، صص ۷۸-۸۰.
۳۰. همان.
۳۱. لورنس لونه، پیشین.
۳۲. مارک پلاس، پیشین.